خواهم ببینم بلکه تازمالیکه زنده ام بر ضد اووعلیه اوو کمونست ها وامثال شان تبلیغ میکنم ومبارزه وجهاد اسلامی ام را به پیش خواهم برد من همان قاضی نیستم بلکه هستم او فکر کرد که تغیر کردم در زندانی شدنم وباز درهراس از زند ا ن ویا اعدام البته تسلیم میشوم ویاتحت امرآنها حرکت می کنم نه خیر چنان نخواهد بود برایش بگو که من کوملحدرا اجازهٔ نمی دهم که به دیدن ام بیاید دست خلاص باشد .

توطئه ویادام دیگر :- چندروز بعدباز ازطریق دستگاه فاسدورژیم ملحد توسط مزدوران واجیران قضایی خود فروختهشان بفکرم میخواستند دسیسه یی علیه من پی ریزی کنند وبمن گفتند که بیایدوماحاضرهستیم که طبق دل خواه شما عجالتاً دریک بست اداری مقرر وبعداز اخذ انسلاک قضایی تان بازبه وظیفه قضای دریک بست اول تعین ومقرر مینمایم ونیز غیر مستقیم ازطریق رئیس ومعاون پوهنتون تحقیقات نام نهاد اسلامی شا ن بمن گفته شد که اگر ازوظیفهٔ قضائی خسته شده باشی درتحقیقات اسلامی به شما یک بست اول را میدهم واز سائر امتیازاتش نیز برخور دار خواهی شد من در جواب با او گفتم که خسته گی های زندان هنوز از سرم رفع نشده وبشما معلو م خوا هد بود که من به نسبت مر یض بود نم از ز ند ا ن رها شدم

وبمن موقع دهید تامریضی ام را تداوی کنم وممکن بعد از اعادهٔصحتم باشما صحبت خواهم نمود حال معذرت میخواهم سپس و درهمین مدت که به آنها در گیرو دار بوده و واقعاً مریضهم بودم ولی درخفاتدارک راه برآمدن امرا ازدامان کمونزم جستجو می کردم تااینکه به توکل خداوند بزرگم مؤفق شدم وکنون به اینجا رسید م و یگانه آرزویم هم همین است که تالحظهٔ که درقید حیاتم علیه این کمونست ها و بی دینا ن بمبارزه وجهادم باسائر برادر ها دوام دهم تاآن زما ن که با چشم‌مان نابودی ومحوکموازم وبرافراشته ساختن لوای‌بزرگ اسلام را مشاهده نمایم وباز میگویم :

دست از طلب ندارم تاکام من براید
یا جان رسد بجانان یا جان زتن برآید

برادران مجاهد و مهاجرین دور از وطن با کمونست ها وملحدان بفهمانیدندکه فتنه و دسیسه سازی های شان بالای مسلمانان‌سودی نخواهد داشت وکارگرنیفتهده ونخواهدافتید .

بروجای‌دیگرنه دام ودانه   که عنقاها رابلند است آشیانه

این مختصری ازگذارشات و جریان زندگی زندان ام بود که مفتخراله مهری نمودم مگر یگانه چیزیکه مرا بسیا ر رنج

میداد وجود همان دوطفل صغیر وفامیل بی سر پرستم بود .
بهر حال دشمن اگر قویست نگهبان قوی تر است و به گفته شاعری که گفته ؟

اگر تیغ عالم بجنبد زجای نبرد رگی تانخواهد خدای

کنون به فضل ومرحمت خداوند بزرگ جان بسلامت بردم و رها شدم بعد ازرهایی درصدد آن شدم تافکر وهوش ومبارزه ام دربین مهاجرین ومجاهدین راه حق بوده و در بین صفوف شان قرارگیرم نه بمنظور عیش وعشرت وتن پروری اینکه که خود را درمیان شما مهاجرین ومجاهدین وبرادران همرزم خود می بینیم خدای را سپاس گذارم .

خطاب به هموطنان :- برادران عزیز ومهاجرین دور ازوطن وکاشانهٔ تان وبه همه هموطنان کشور عزیز :-

امروز که بفضل و لطف بی پایان خداوند بزرگ روزنهٔ امیدازپیروزی جلو چشمان مان قرارگرفته خداوند بزرگ راشکر گذاریم که دربین امرخطیرو بزرگ تاریخی مارا توفیق بخشیدواین موفقیت را برکافهٔ مردم متدین افغانستان وخصوصاً به مجاهدین راهٔ حق وبه آنانیکه درسنگرداغ مبارزه علیه دشمن قرار دارند تبریک میگویم. مجاهدین وسنگر نشینان که درجنگ رویا روی

علیه دشمن میباشید و به آمده از هم مهمنا لیکه که تو سط زبان ، قلم ، وفکر شان علیه دشمنا ن قرآن و کمو نست ها جهت گیری ومبارزه مینمایند ملتفت باشیند که کشور وجامعه تان راه دیگری را نیز برختان می کشاید ومسئولیت عظیمی را بدوش تان میگذارد که آن عبارت از جهاد اکبر است .

هموطنان عزیز ومردم شرافتمند ورنج دیده قسمیکه نیروی جسمی وبازوی توانای شما در درهم کوبیدن وازهم پاشیدن دشمن فعالانه کشور را از لوث وجود روس های پلید پاک می سازد همان قسم به توکل خدای بزرگ درآینده خیلها نزدیک مزدوران وجیره خواران و سگان زنجیری شان یعنی پرچی ها وخلقی ها وامثالهم شان نابود و به گورستا ن جهنمی انتقال خواهند یافت وبه جزای اعمال شان خواهند رسید دیگر تاب ویارای مقاومت را درمقابل شما دلاوران باشهامت ندارند و به شکست ابدی محکوم خواهند بود وهم این نکته رافرا موش نباید کرد چون در قدم اول روس ها ی پلید پشنها د صلح وخروج عساکرخودرا نمودهاند ولی غافل نبایدبود مبادا پشت پرده اهداف شیطانی دیگری را درسر داشته باشند وچون مار زخم خورده غار دیگری را جستجو کنند ، وهمکذانجیب ودارو دستهٔ مزدور آن باچه نیرنگ ها حیل وسکاره گی ها ر و ی

صحنه ظهور و خود نمایی میکنند مثلاً روزی دستار پوشیده بمسجد میروند زمانی خودرا مسلمان معرفی میکنند دم از مصالحه ملی میزنند در حالیکه اعلان آشتی ناپذیری کفر خود هارا با مردم و هموطنان متدین و مسلمان مان نموده بودند کنون که دندان شان به سنگ خورده به عوام فریبی ها دست میزنند و بدانند که دیگر مردم ما فریب چنین یاوه سرائی ها را نخورده و مکر شان کارگر نمی افتد .

هموطنان عزیز ! در مقابل همه دسایس و شیطنت ها و مکر باید متوجه بود وبر هدایت آیه کریمه «واعتصمو بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا » عمل نمود و چون مشت واحد آهنین و یکپارچه کماکان در مقابل دشمنان روسی و مزدوران داخلی شان متحدانه دست پیکارتان بلند باشد صفوف واحدی بیشتر از پیش وحدت بخشید و مگذارید که دیگر دست صاحب غرضان شخصیت پرستان وهدفمندان وصاحب غرض تن پروران به سوی شما دراز شود کنون دشمنان شکست خورده و میخورند ولی نیرنگ های شان و اربابان غرض میخواهند به عناوین و اشکال مختلف باز جلو ردم با شهامت و قهرمان مان را بگیرند راه و هدف شخصی و منافع خود ها را به پیش برند باید این بار عمل کرد

خیلیها زیرکانه و هوشیارانه باشد و حوادث بعد از امان الله تکرار نگردد .

اظهارممنونیت ازدول خارجی !

ما ازجهانیان وجهان اسلام وبا الخصوص آنعده ازکشور های که کمک های خیلی هاموثر بمانموده اند . اظهارممنونیت وسپاس داریم که درمبارزمان ما را علیه کمونیزم تنهانگذاشتن این سپاس ومسرت در دل فردفرد افغان باقی بوده وفراموش نخواهد شد.

مساعدت های سیاسی و بشرخواهی علاوتاً ما از دوستان خارجی خود قسمیکه در نبرد رویا روی با دشمن مارا یاری وکمک نمودند همان گونه در نبرد مخفی و بازسازی آینده کشور مان مارا کمک نمایند و ما چنین توقعی رادر آینده نیز داریم تا از کمک های بی شائبه وبی غرضانه شان مردم ما را مستفید سازند مردمی که بادست های خالی و باابتدایی ترین وسائل کهنه یعنی شمشیر ها وتفنگ های دهن پر وتفنگ های شکاری در مقابل عظیم ترین قدرت جهانی به پا خاستند و جهاد اسلامی شان را براه انداختند به جهانیان و کمونست های محیل، شهامت دیانت و قهرمانیهای خود را عملاً نشان دادند ، کنون باید دست دوستی دوستان ما

و مساعدت های آنها به طبق آرزو و خواست میل و اراده اکثریت ملت ما صورت پذیر باشد و این نکته رانیز نباید فراموش کرد که افغانستان در گذشته ها هزاران فرزند علمی سیاسی و رجال برجسته تاریخی را در دل خود مدفون کرده وهزاران فرزند دیگری را در آغوش خود پرورانیده و تنها منحصر بچند تن فکر نشود که آنها گردانندگان چرخ سیاسی درجهان اند و بس و اگر چنین مفکوره وجود داشته باشد و یا هدف دیگری باید از آن عدول کرد ..

تشکیل یک نظام عدل ورژیم سیاسی .

افغانها بی باشها ست ومسلمانشجا عتخرد وقهرمانیهای خودرا در طول تاریخ نشان داده اند ومیخواهند بعد ازینکه روس های مکار و محیل را ازکشور شان دورسازند داروددسته و مزدور شان را فنا و نابود کنند

با تشکل از یک نظام ورژیم سیاسی خود ، رژیمی را بمیان آورند که بتوانند با نیازمندی های کشور اسلامی شان جواب گو باشد. و دیگر فکر خود پرستی در سر نباید خطور کند . و آید کریمه « و أعدو ا لهم ما ستطعتم من قوة و من رباط الخیل ترهبون بهعد والله وعدو کم » ـ که در

هر عصر و زمان قابل تطبیق است مصداق پیدا کند کشوری

گردد که بتواند سد عظیمی که حاوی جهات بزرگ

نظامی و سیاسی باشد در مقابل کمونیزم فتنه گر و توسعه

جو ایجاد کنند تا دشمن بیشتر احساس خوف و هراس نموده

عظمت، جلال و شکوه واقعی اسلام را مشاهده نموده چشمانش را

خیره و کور نماید و در آینده کشور مستضعف همچو افغانستان

و سائر کشور های دیگر جهان که در معرض خطر کمونیزم

قرار میگیرند نجات و در امان باشند .

و به گفته مفکر و مدبر اسلامی علامه اقبال که چنین

گفته است .

آسیا یک پیکر آب و گل است   قوم افغان اندر آن پیکر دل است

از فساد او فساد آسیا است   و از کشاد او کشاد آسیا است

کنون همه جهانیان متوجه شدند و پی بردند که واقعاً افغانستان

نقطه عطف را در سر نوشت ملت های جهان به خصوص در آسیا

بازی مینماید ملت قهرمان افغانستان چنین آرزوی را در آینده

بسر دارد و باید هم داشته باشد چرا که میگویند آزموده را

آزمودن خطا است ، و در همچو یک آرزو ملت ما نیازمند

به کمک های عظیم نظامی دوستان خارجی خود میباشد که

درین امر بزرگ و مقدس با مساعدت های شان ما را یاری دهند و افغانستان در آینده باید دارای یک چنین قدرت عظیم نظامی و سیاسی بوده باشد تا بتواند در مقابل روسیه شوروی صف آرائی کند ، وهمچنان ملت بزرگ اسلامی مان یعنی بخارای قدیم باید از چنگال این دشمن دد منش و غارت گر نجات یابد و به کمال آزادی خود نائل گردد که دراین امر مهم و تاریخی البته افغانها سهم بزرگی رادر آینده ایفا خواهند نمود دیگر نباید بر روسیه توسعه طلب و استعمار جو موقع داد باید کوشش گردد که اقلاً اگر قطع نشود دست و بازوی آن بسته گردد .

خطاب به ملت عظیم افغانستان

افغان‌های غیور ومردم با شهامت و مسلمان افغانستان اعم از پشتون ،تاجک،هزاره ، اوزبک وغیره متوجه باید بود که در هر عصر و زمان شما توده های عظیم،شما مردمان پای برهنه شما طبقه مستضعف بازوی پر توان ، ثبات استقامت ، پایداری شما بود که تجاوزگران و استعمار طلبان را مشت بر دهن کوبیدید زنجیر اسارت شان از هم گسیخت پس بر شماست که حاکمیت وتسلط را بر جامعه تان حفظ و قایم نمائید از خواب غفلت بیرون آئید خود را تکان دهید دیگر فریب

مفت خوران وخود پرستان و عیاشان رانخو رید کسی را بزعامت و رهبری جامعه تان انتخاب کنید که از هر نگاه شایسته گی آن را داشته باشد ، بالباس تقوی و خدا شناسی مزین بوده از هر نوع اشتبا ومشکوکیت مبرا باشد ، قدرت تشخیص و تمیز را بدست خود گیرد و به یقین شما مستضعفان جامعه ساز و سرنوشت ساز کشور خود هستید ، هیچ کس وازهیچ طرف نمی توانند بزور چیزی رابالای شماتحمیل کنند و یا زعیم آینده شمارا تعین نمایند و خداوند بطرف شماست و از شما مستضعفان پشتیبانی میکند اکثریت همیش بجانب شما است گروه های غیر مردمی در مقابل شما تنها و در گوشه خواهند ماند و حدیث شریف :-

(العزة لکاثر) موید این گفته است شما میدانید که در طول دو قرن یعنی دوصد سال متواتر خود خواهان و عیاشان و سلطنت طلبان شمارابه منظور حفظ جا و مقام عزت وهوای نفس بدون درنظرداشت منافع ملی بجان هم انداخت اختلافات ، مذهبی لسانی ، قومی و منطقوی را دامن زدند و بمیان کشیدند ملت عظیم و قهرمان مان راز هم پاشیدند ودر سطح پائین نگاه داشتند حتی حداقل شرایط زندگی را برایشان قائل نگردیدند .

بسم الله الرحمن الرحیم

ندای یک تن زندانی رها شده
از هم میهنان شما

واعتصمو ابحبل الله جمیعاً ولاتفرقوا الا یه : ـ

هموطنان عزیز! برادران خواهران، مهاجرین، مجاهدین عزیز وآنانیکه درسنگرداغ مبارزه سینه های خود را سپرمرمی دشمن ساخته اید وشما برادرانی دورازخانه وکاشانهٔ تان شده ایدوبه کافهٔ مردم مسلمان وشرافتمند کشور عزیز ! بی مناسبت نخواهدبود، تامختصری از شرح زندگی ام را باشما درمیان بگذارم وازتظلم وشکنجه های گوناگون دشمن چه در دورهٔ اول گرفتاری،وچه درزمان تحقیق، وزندان مختصراً صحبت وبه آگاهی شما برادران نیز برسانم .

به اصطلاح انگلیسها اختلاف بیاندازو حکومت کن ورا مرعی داشتند و خود در عیش و عشرت و بی باکی غرق شدند تن پروران واربابان و صاحبان نفوذ که منافع شانرا تائید میکردند نیز به‌آنها اجاره بی باکی ، عیاشی و ظلم را دادند وهمدست به آنهااز هیچ گونه فساد دست نگرفتند فقر و تنگ دستی ، بیچارگی و بی سوادی ، و جهل را در میان عامه مردم گسترش دادند باالاخره دروازه های بی‌دینی و کمونیزم برخ مردم و ملت کشوده شد و کمونستها اجازه فعالیت یافتند تا سر انجام ملت متدین و مسلمان‌مارابخاک و خون کشانیدند عناصر نامطلوب و تن پرور دوباره به عناوین و اشکال مختلف و بنام های این و آن خود ها را از صف شما بدور بردند و فقط بازوی پر توان شما مستضعفان بود که در پاک سازی کشور از وجود کفرو الحاد و از لوث عناصر پلید کمر همت بست جگر گوشه های خود را قربانی دادند هزاران در هزار فرزندان شما مستضعفان و بیچاره‌گان به شهادت رسید وهزاران فرزند شما درسلول ها ی زندا ن در جهاد شان علیه کفر بابی رحمانه ترین وضع یاکشته‌شدن ویا به‌اذیت وشکنجه های‌گوناگون طاغوتی وفرعونی روس‌ها

ومزدورانش یعنی پرچمی ها و خلقی ها نهگداری شد ند کنون
که باز لطف خداوند بزرگ شامل حال شما بوده و با همت
والای شما روس را بخروج مجبور ومزدورانش رادست پاچه
ساخته ومحکوم بزوال نموده اید بازدست های غرض آلو د
مغرضان از هرطرف بمنظور کسب قدرت واهداف شخصی
دراز می شود و لی این بار با ید بسیار زیرکانه
وهوشیارانه مسیر راطی نمودوبرطبق هدایات قرآنی باید عمل
کرد اختلافات منطقوی وکلیه اختلافات‌را باانواع‌آن یکطرفه
گذاشت و در یک صف واحد برادر وار حرکت باید کرد
لوای بزرگ اسلام را برافراشته ساخت ، درتشکیل وتکوین
یک حکومت اسلامی وعدل ومردمی که ضامن سعادت‌وفلاح
مردم مسلمان‌وکشور باشد تلاش بخرج خواهید داد فریب
این گروه وآن گروه ویا این وآن را نباید خورد وازگذشته
ها درس عبرت باید آموخت ودیگر حوادث گذشته را اجازه
تکرار نباید داد زمان زورگو ئی‌مکر حیل وفریب سپری
گردیده فقط ایمان و اخلاص بوطن وعشق خدمت بوطن
ووطنداران میتواند راه راباز گشاید راهٔ‌که ازحمایت اکثریت
مردم برخوردار باشد به دردو رنج والم مردم مرهم گذاری
کند مداوای درد مردم باشد صبغه واقعی تقوا و اسلام

را داشته باشد نه اینکه باقیانه ظاهری به نیکو ئی تجسم کند و در معنی فریبنده و کاذب باشد یعنی بمضمون حدیث شریف خیر الناس من ینفع الناس ورئیس القوم خادمه ، خدمت گذار واقعی مستضعفان وبیچاره گان باشد . « تشکلات سیاسی »

هموطنان عزیز ! گروپ بندی تشکیلات تنظیمی وسازمانی شما چنان مؤثریت داشت که دشمنان دین وآئین شما دشمنان آبروشرف ولوا میس ملی شما باپشتیبانی شوروی این ابر قدرت جهانی شکست خورد وبزانو درآمدند اینک بازتنظیم های سالم ومردمی شما درجهت بازسازی وبسیج ساختن توده های عظیم مردم و در راهنمایی بسوی یک آینده درخشان وامید بخش به نیکی ها و در بوجود آوردن یک حکومت اسلامی وعدل باهمکاری شما مستضعفان مسئولیت سنگین و عظیمی را پیش رو دارند .

برادران وخواهران عزیزهرچه زودتر ومسئولانه بدوررهبری حزبی تان گردهم آئید وحلقه زنید ومتحد ویک پارچه شوید تا افردای تابناک و روشن در استقبال شما باشد به خائنین و ارباب غرض وهوا خواهان نفس اجازهٔ و رود به صحنه را ندهید ونگذارید که دیگر همچون دغل بازان وفتنه گران به سر نوشت شما و کشور شما بازی کنند و افغانستان را قسم سابق باز به چاه بد بختی فرو برند شما

اکنون باید طوری بسیج شوید که همه جهانیان قسمیکه قهرمانیهای شما شهامت وشجاعت شما را تمجید وتحسین میکنند همان گونه تدبیر و نکته سنجی و اتحاد ویکپارچه گی اسلامی شما را ستایش کنند و انگشت حیرت بدهن فرو برند شک و تردید به سر داشته شان را یکسره از سر شان دور نمایند ، کشور شما کشورباشهامت و افتخار ساز است کشوریست که در طول تاریخ بازور گویان و توسعه طلبان پنجه نرم کرده وتسلیم زور نگردیده و نخواهد گردید :

« روابط خارجی »

هموطنان عزیز کشور ما با جهان اسلام رابطهٔ برادری و ناگسستنی داردرابطه که اسلام آنهارا با هم پیوند داده همچنان با کشور های دیگر جهان نیز رابطه عمیق دارد بالخصوص آنعده از کشور های که در همچو یک مقطعی زمانی از هیچ نوع کمک بشری از ما دریغ نکردند روابط عمیق وفراموش ناشدنی ما باهمچو کشورها دوامدار بوده ومبنا شد وآیه کریم «لاینهاکم الله عن الذین لم یقاتلوکم فی الدین ولم یخرجوکم من دیارکم آن تبروهم وتقسطوا الیهم والله یحب المقسطین» و آیات دیگری قرآنی دستور دهنده این امر است و اسلام تنها با کمونیزم و خدا ناشنا س که با ما سرپیکار دارند

تعداچاپ ۵۰۰ جلد

چاپ مطبعه کمیته فرهنگی
جمعیت اسلامی افغانستان

آشتی ناپذیر است بخصوص روسیه شوروی، روسیه نفرت وانزجار مردم مارا کمتر از یک قرن درتجاوزش به بخارا به بارآورده بود باز با تجاوز واشغالش به کشورما چنین میراث شوم خود را منحیث لکه ننگین برصفحات تاریخ بجای گذاشت واین دجال بزرگ وشیطان قرن بیست هنوز رمز ومزاج مردم مسلمان مارا درک نکرده ووزیر خارجه روسیه درمصاحبه کابل خود کمک های بعدی روسیه بعد از ترک گفتنش از افغانستان را باحکومت افغانستان و مردم یک وجیبه و دین خواند در حالیکه به حیله گری ومکر خود هنوز ادامه میدهند ومزدوران ش را هنوز در آشکار و در خفا میخواهند تقویت بخشند واین فریب است که روس ها خود را میدهند آیا در مقابل قدرت عظیم مردم مومن قطره نیستند در دریاچه کردند وچه خواهند کرد بجز رسوالی مفادی عاید شان نمی گردد اکنون وقت آن رسیده است که روسیه شوروی باید بقدرت و نفوذ اسلامی مردم افغانستان سر تسلیم خم نماید در اخیر یک بار دیگر باز در خطاب از هموطنان شریف و متدین خود تقاضا و خواهشمندم تا درهر کجا ودرهر موقف ومقامی که قرار دارند درشناخت شان با کمونست ها ملحدین و کافران شکست خورده متوجه باشند که دشمن راه فرار واخفاء را در پیش نگیرند و به پنجهٔ عدالت اسلامی سپرده شوندتا سزای اعمال ننگین شان را چشیده ودرس عبرت به نسلها ی بعدی گردد.

نویسنده قاضی عبدالغنی حکیمی بغلانی

سرآغاز کمونزم

برادران همه گان میدانند از همان آولیکه تخم کمونیزم در محیط و کشور عزیزما و بخصوص درکابل پایتخت افغانستان پاشیده شد واز همان وقت به بعد که پرورش ورشد ونمو یافت بنده درهمان وقت محصل بودم وباخود می اندیشیدم که وجود این پرازیت ها روزی به سیلاب خون مبدل خواهد شد.چنان هم شد من ازهمان وقت به بعد درهر کجا که بااین بی دینان برمیخوردم بمجادله ومناقشه می پرداختم چه درمحیط پوهنتون وچه درساحهٔ وظیفوی چنانچه بطور مثال درهنگام وظیفه قضائی ام در خواجه غار موعظهٔ دینی را درقیام علیه این کمونست ها دشمنان قرآن واسلام بداخل مسجد جامع ایراد نمودم که بعداً کلمهٔ اخوانیت را بمن نسبت داده وتحت تعقیب رژیم داؤدی قرار گرفتم (حتی والی وقت ذریعه مکتوب رسمی به اداره قضا خبر داده وازمن شکایت بعمل آورد که قاضی مذکور مخالف رژیم جمهوری ما میباشد مگر آمر عمومی وقت قضا محترم غلام علی کریمی بود که باحمایت ازمن مکتوب والی را جواب کردوخصوصی مرا خواست وحرف های بمن گفت سرانجام

در آنوقت ملحدین به‌گرفتاری ام موفق نشدند که متن موعظه ام را درهمان‌وقت عبدالرحمن مبلغ رئیس محکمهٔ تخار اولیاقیل باختری معاون آن ریاست مطالعه کردند و بعد ها همچنان محترم استاد سائف نیز موعظهٔ ام را مطا لعه نمو د ه است :

زمان گرفتاری ام توسط چاکران خاد

بعداً در حمل سال ۱۳۶۳ توسط ملحدین از ولایت کابل در حین‌انجام وظیفه ساعت ۱۱ نیم بجهٔ روز گرفتار و در خاد صدارت منتقل‌ام نمودند تاشام همان روز در آنجا نگهداری شدم وبعد ازشام توسط چار موتر جیب در حالیکه دست هایم نیز اولچک زده شده بود به خانه انتقال ومنزلم تحت تفتیش و تلاشی بی رحما نه مؤظفین خا د که مرکب از ۱۴ نفر مرد مسلح بودند قرار گرفت البته کسانیکه دیدند ویاشنیدند میدانند راچنین یک‌واقعهٔ المناک وتراژیدی چسان دهشت آوراست چیغ وصدای دخترک سه‌ساله‌ام را همسایه هامی‌شنیدند وکسی حق دم زدن را نداشت حتی سخت ترین قلب هم از دیدن ویاشنیدن همچو یک واقعه اشک خوا هد ریخت خودم درعقب حویلی محصور پولیس بودم درخانه هم بجز دوطفل صغیرومادرشان کسی‌دیگری وجود نداشت بعداز

تلاشی دوباره به خاد صدارت برده شدم و در کوته قلفی قرارم دادند.

آغاز تحقیق

فردای آن به ساعت دو نیم بجه تحقیق و شکنجهٔ طاغوتی آغاز گردید برادرها باز رسی و شکنجهٔ که شامل ناخن کشیدن، بی‌خوابی، برق دادن، حتی بجاهای مخصوص انسان ، لت و کوب تابه سرحدمرگ ،اذیت‌وتوهین به‌هدایت مشاورین روسی توسط مزدوران پرچمی و خلقی شان ادامه یافت خلاصه ازهیچ‌نوع شکنجه وآزاری که‌درمخیلهٔشان خطور میکرد درنهایت بی رحمی صرفه نمی کردند البته همه میدانند که به اثر شکنجه های رنگارنگ این‌وحشیان هزاران نفر مسلمان درجریان تحقیق جان های شیرین خودرا ازدست دادند وچنانچه‌به‌طور مثال میتوان از شخصیت بزرگی نام‌برد که‌تحت‌هدایت‌ورهنمائی برادرارجمند وقهرمان‌احمدشاه مسعود این‌فرزند راستین اسلام درمعرکهٔجهادوبه‌مبارزهٔ جهادی درشهر کابل‌سرگرم‌ومصروف‌بود.این‌شخصیت ممتازبرادرحبیب‌الرحمن جدیر،پنجشیری‌است‌جناب‌محترم شان‌وامثال‌اوبه محکمهٔ نام‌نهاد نارسیده‌یعنی‌درجریان تحقیق‌به اثرشکنجه و آزار جان شیرین خود را از دست داد و جام شهادت نوشید

انا لله و انا الیه راجعون » وهزاران نفر دیگر به نام فیصلهٔ محکمه اعدام و هزاران درهزار دیگربه حبس های درازمدت و مرموزومختلف که درحقیقت مرگ تدریجی است حوالهٔ مسلول های زندان پلچرخی و مخفی گاه های دیگرگردیدند . من هم ازجملهٔ برادران بودم که بعدازهفت ماه کوته قلفی وانواع شکنجه واذیت در صدارت، به کوته قلفی های بلاک اول ودوم پلچرخی انتقال و در همین مدت ده الی ده ماه بحالت بی سرنوشت درشکنجه وآزار بودم ، هرروز وشب درانتظار مرگ واعدام قرار داشتم تااینکه به محکمه نام نهاد در دیوان الف خار نوال باتذکر مادهٔ (۱۷۰) ودیگر مواد اعدامم را مطالبه نمود دو ماه بعد پارچهٔ ابلاغ حبس دوام یعنی شانزده سال حبس برایم داده شد تقریباً مدت چار سال حبس را درزندان پلچرخی باانواع شکنجه ولت وکوب وآزاربه سربردم که شرح طویل آن دراینجا گنجایش ندارد چون همه تکالیف وآزار بخاطر رضای خداوند(ج) واسلام واسلامیت بود بناء بخود می بالیدم وافتخار میکردم ورنه تحمل رنج یکساعتهٔ آن از طاقت انسانی بیرون است چنانچه برادران وخواهران عزیز ومسلمان مان دیدند که زندان پلچرخی چگونه محل آزار جوانان مسلمان و پاک کیشان است و باید یاد آور شوم که علت بیشتری آزار وشکنجه ام مکتوبی بود

که عنوانی استاد بزرگ ودانشمند عزیز رهبر جمعیت اسلامی افغانستان نوشته‌وارسال کرده بودم وارتباطم بااستاد سالف هم به آنها اشکارا شده بود وآن مکتوب دراسنای تلاشی بدست مؤظفین خاد افتاد که بعداً در مکتوب از شخصیت شخیص وعالی مقام دانشمند بزرگ رهبر جمعیت اسلامی نیز ستایش وصفت های نموده بودم و از خداوند(ج) آرزو نموده بودم که خداوند (ج) شمارهبرخردمند جمعیت اسلامی‌را چنان یک قوت وقدرت عظیمی رانصیب بگرداند تاباسرنگونی رژیم ملحد کار ملی افتخارات‌بزرگ تاریخی‌افغانستان عزیز امروزی را نائل گردد بنابرآن مرا در خوف ورجاء قرار داده بودند که رهبر عالیقدر را به همان قسم باید تقبیح کنم وبمن وعدهٔ رهایی از زندان میدادند وحتی‌امنیت ام رانیز متقبل شدندمگر خداوند بزرگم شاهد است و تعداد از کارمندان خاد هم ممکن ازین پیشنهاد باخبر بوده باشند که من این پیشنهاد را ردکردم وقبول ننمودم وگفتم که چنین تقبیح‌آنهم از یک رهبر خردمند و از جانب من بکلی مردود و غیر قابل قبول است ولو منجربه قتل واعدامم هم شود شهادت واعدامم را ترجیح دادم وخودم‌را بخداوند بزرگم سپردم .

جریان وگذارشات بداخل محبس مرکزی :

همچنان بنده در طول مدتی سپری شده در زندان به تشویق و ترغیب جهادی و تنظیمی جوانان به‌جرآت دادن درمقابل پیش آمدهای نا رواء مؤظفین محبس مصروف بودم وصبر واستقامت برادر های مجاهد د ر مقا بل شکنجه و آزار ملحدان نیز از جملهٔ شعا ر های من بود و نیز نوید دادن از پیروزی اسلام وغلبهٔ حق بر باطل را تو ضیح نموده وظیفه‌ام قرار داده بودم . حتی دراولین ملاقات به‌پای و ازم همین پیروزی اسلام ورهائی محبوسین را بلطف خداوند بزرگم ذر نزدیکترین زمان‌بشارت دادم ، هکذا بداخل محبس گروپ‌ها وحوزه های تشکیل‌داده وبر جوانان نصیحت ودروس اسلامی تعلیم میداد م که چندین بار از طر ف موظفین خاد وکارمندان محبس‌اخطار وجذاء دیدم ولی ازآن‌دست برنداشتم ودرمقابل تخریب‌گری های ناخوش‌آیند وجملات والفاظ زشت راجع به مجاهدین و رهبران گفته می‌شد مقاومت نشان‌میدادم واگر معقولیت ومنطق را قبول می کردند و قانع می شد ند البته ازین طریق پیش آمد می‌کردم خداوند بزرگ شاهداست ونیز اکثر برادران که بامن یکجا بودند شاهد بوده وهستند.

از جمله برادر داکتر عبدالقدوس ونعمت‌الله جان از بدخشان، درحالیکه بودند بعضی از اشخاص سست عنصر بمنظور اینکه رها شوند ویا لا اقل خشم دشمن را فرو نشانند و رضایت خاطر آنها را حاصل کرده باشند دست به اعمال ننگین می‌زدند وبعضی ها رهبران ومجاهدین را زشت می گفتند وتقبیح می‌کردند تا جواسیس تصور کنند که اینها بی‌گناه‌اند بدنخواهد بود تاروزی را به یاد آورم که بمن گفتند پای واز تان آمده من به تعجب شدم که روزهای‌پوازی نیست ومن هم جز ذات پاک خداوند هیچ‌کس نداشتم که ازمن‌خبر گیرند بجز دوطفل صغیر خلاصه به درب تعمالدانی رسیدم دیدم سه تن از جمله هم ولایتی ما که آنها اصلاً به دیدن محمدطاهر نام محبوس آمده بودند وضمناً مرانیز بکدام عنوان ویاهدفی خواسته باشند ازجمله حاجی عبدالحمیدنام که‌شخص نیک‌وخوب است‌شامل بود درین وقت از همین ۳ نفر یکی آن بنام شیرآقا که‌خودرا قومانداان وکار مند خاد معرفی نمود از من سوا ل کرد که قاضی صاحب چندسال حبس شدی برادری آدینه منگون ملحد وپرچمی نیز بااین دوتن همراه بود من درجواب گفتم شانزده سال حبس هستم ولی شما تصو ر نکنید که من ازین نا حیه

خفه باشم بلکه خوش هستم که بنام اسلام ومسلمان بو د ن بندی شدم واگر اعدامم نمایند خوش بوده و افتخار م میبا شد وشما متقین باشید که انشاءالله اسلام پیروز شدلی است وهمه این مسلمان‌ها بزودی رها میشوند وحاجی عبدالحمید مذکور شاهد صحنه بود : -

حالت رهائی اززندان : حینیکه از زندان پلچرخی به لطف خداوند بزرگم خلاص شده وبه خانه رسیدم یکروز بعد آدینه سنگین ملحد توسط احمد ضیاء تخاری پیغام فرستاد که همراهی تخاری یکجا به دیدن ام می‌آید یعنی دشمن میخواست دسیسهٔ تازهٔ را باز کمین کند مگر من بازکما فی‌السابق به تخار ی گفتم که ای تخاری صاحب قبل ازحبس شدنم وقت‌را به یاد آورکه توبعد ازادای نمازشام درمسجد حضرت بلال صاحب از عقب ام صدازدی ومرا استاد کردی وگفتی که من امروز به شاروالی رفته بودم وآدینه برایم پیشنهاد کردکه مرانزد قاضی صاحب ببر تا عذرش راکنم و اونباید اضافه ازین برعلیه من همه وقته اقدام کرده وبرضدم بعد ازین نباید تبلیغ کند ومن اورا کاکا وکلان خود میدانم من به شما چه گفتم آیا نگفتم که یکنفر پرچمی ملحد وکمونست را نزدمن می‌آوری من هرگز او را نزد خود نه پذیرفته و این بی دین را نمی

ندای یک تن زندانی رها شده از هم میهنان شما



۱۷

نویسنده عبدالغنی «حکیمی» از ولسوالی خوست و فرنگ

ندای یک تن زندانی رها شده از هم میهنان شما



نویسنده عبدالغنی «حکیمی» از ولسوالی خوست و فرنگ

فهرست مطالب

بسم الله الرحمن الرحیم

پیشگفتار : -

المومن یجاهد بسیفه ولسانه (الحدیث)

سازنده گی جهادی کافهٔ مردم عزیز ومسلمان افغانستان بخصوص مجاهدین ومبارزین راه حق وجمعیت اسلامی افغانستان باهمکاری سایر تنظم ها وبرادران رزمنده بااتحاد فکری ونیروی تاکتیکی بخصوص شیوهٔ افغانیت درعقب راندن دشمن وسر کوبی و سرنگونی رژیم ملحد کابل و رزمیدن شجاعانهٔ شان قابل هرنوع ستایش و تقدیر بوده و نیز از طرف مردم صلح دوست ومسلمان افغانستان قدم بقدم تقدیر ونوازش شده اند .

رهبران خردمند وپیشگامان وارجمندان گرانقدرومتدین مردم افغانستان که درایجاد وبه وجود آوردن واساس وبنیان گذاری از یک حزب که بنام حزب اخوان المسلمین رادرافغانستان در همکاری باشهید استاد بزرگ ومدبرو کاردان وهوشمند یعنی غلام محمد نیازی اقدام و پی ریزی نموده بودند سر انجام مبارزین راه حق در کنار و پیکار جهادی و تنظیمی شان در جهت بسیج نمودن وسوق توده ها درمقابل دشمنان دین و بانظم وپالیسی پیگیرانهٔ سیاسی واقتصادی ازرهبران عزیز

مردها هدایت والهام گرفته موفقانه افتخارات تاریخی را حائز گردیده اند وصفحه جدید تاریخی واسلامی را درج صفحات پرافتخار تاریخ خراسان قدیم یعنی افغانستان حاضر نموده واین چراغ خاموش شده علمی وسیاسی عصر خراسانیان بازتوسط این این مردان تاریخ نورگرفته وپرتو افگنی خواهدنمود وسینماید ونام نامی افغانستان عزیز یک بار دیگر توسط همچو فرزندان اصیل درج تاریخ میگردد . این افتخار وتقدیروسپاس رابخود محفوظ میدارند .

ومن الله التوفیق

نویسنده قاضی عبدالغنی (حکیمی)